

اصلاح طلبی در کشور باشد. مطلبی می نویسد: «او که همواره از داوری صریح و بی گذشت درباره مخالفانش پروایی ندارد، هرگز به نقد عملکرد سابق خود راضی نشده است. عبدی کمتر می کوشد که نگاهش را از پیش رو برگردد و به پشت سرش نگاه بنگرد. اما سیاستمدار سرسخت و سخنران پر شور اصلاح طلبان اینک که چشم انداز مقابلش را بسته و مبهم می یابد، باید اندکی درنگ کند و به عقب نگاهی بیندازد. جایی که خود درهای عمیق حفر کرده است و پتانسیل کارآمدی از اصلاح طلبان، روشنفکران و دگراندیشان را به جا گذاشته است. اگر عبدی نگران کندی یا توقف روند اصلاحات است؛ شاید بهترین چاره ساختن پلی بر روی همین دره باشد». آیا این داوری در مورد کل حرکت صادق نیست؟

ع.ع

## قانون جدید جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی

سیاست‌ها، دستورالعمل‌ها و قوانین یک سال اخیر دولت همگی از رویکرد جدیدی به مقوله سرمایه‌گذاری خارجی حکایت دارند. شاخص‌ترین اقدامات دولت در این زمینه، ارائه لایحه قانونی جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی است که کلیات آن در شور اول در شهریورماه ۱۳۷۹ از تصویب

مجلس شورای اسلامی گذشت. این قانون ابتدا در کمیسیون امور اقتصادی مجلس بین کارشناسان مجلس، دولت و کارشناسان بخش خصوصی و سپس در داخل و خارج کشور مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت و آنگاه از تصویب نهایی مجلس گذشت. البته پس از تصویب مجلس، این قانون با مخالفت شورای نگهبان مواجه شد. جالب این جاست که شورای نگهبان این قانون را دوبار رد کرده و به مجلس باز فرستاد، در حالی که پس از ارجاعیه اول اصلاحات مورد نظر با حضور نماینده شورای نگهبان صورت گرفته بود.

با این که به نظر می‌رسد این قانون در تنگنای سیاست‌های جناحی نهادهای حکومتی قرار گرفته است، معهذاً هنوز این امید باقی است که نهایتاً با اعمال یک رشته اصلاحات و در گفتگو بین مجلس و شورای نگهبان به تصویب نهایی برسد. به همین دلیل نیز لازم می‌بینیم که یکی از جوانب مهم این قانون جدید را مورد بحث قرار دهیم.

متن پیشنهادی قانون جدید سرمایه‌گذاری خارجی دارای مزیت‌های زیادی در مقایسه با قانون قبلی (مصوبه ۱۳۳۵) است. مهم‌ترین این مزیت‌ها آن است که قانون جدید به واقعیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری جهان توجه کرده و از محدودیت‌هایی که قانون قبل به وجود آورده بود، کاسته است. به طور مثال قانون ۱۳۳۵ ضمانت از سرمایه‌گذاری را فقط در صنایع و معادن مورد توجه قرار داده بود، در حالی که قانون جدید به کلیه حوزه‌ها

همچون خدمات، امور مالی، سرمایه‌گذاری به روش بیع متقابل یا BOT (ساخت-مالکیت-انتقال) نیز توجه کرده است. در ارزیابی کلی به نظر می‌رسد که هم وزارت دارائی و امور اقتصادی به عنوان مبتکر لایحه به جوانب مختلف این امر توجه داشته است و هم کمیسیون اقتصادی مجلس. معهذاً تأکید یک نکته بسیار ضروری است:

یکی از نکات اساسی قانون جلب سرمایه‌گذاری خارجی این مطلب است که دولت ایران در چارچوب این قانون از آن سرمایه‌گذاران خارجی‌ای حمایت می‌کند که در آن حوزه‌هایی فعالیت کنند که بخش خصوصی ایران نیز حضور دارد. به عبارت دیگر حوزه فعالیت مورد تضمین سرمایه‌گذاران خارجی، محدوده بخش خصوصی ایران است. حال پرسش این است که این محدوده چگونه تعریف شده است؟

طبق اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است.

بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمائی، کشتیرانی، راه و راه‌آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است.»

با این که در عمل بخش خصوصی ایران در حوزه‌های بیشتری فعالیت دارد، واقعیت این است که اصل ۴۴ یک عامل محدودکننده در فعالیت بخش خصوصی به شمار می‌آید. البته به نظر می‌رسد که به واسطه رشته قوانینی (همانند قانون تأسیس بانک‌های خصوصی و لایحه خصوصی‌سازی بیمه)، در یک فرایند تدریجی مرزهای موجود میان بخش خصوصی و دولتی تغییر خواهند یافت، ولی تا آن موقع، چاره‌ای جز شناسایی اصل ۴۴ قانون اساسی به عنوان بالاترین مرجع تعیین‌کننده در ارتباط با تعریف بخش‌های دولتی و خصوصی نداریم.

با توجه به این که اصل جذب سرمایه‌گذاری خارجی به عنوان یکی از ابزار رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال پذیرفته شده است<sup>۱</sup> و پیوند آن نیز با مسئله امنیت اقتصادی نیز آشکار گشته، باید این مانع جدی نیز به گونه‌ای برطرف شود. تفسیر قوانین جدید درباره بخش‌های مختلف اقتصادی و همچنین تبصره‌های متفاوت



برنامه پنجساله سوم که تعاریف جدیدی از انحصارات دولتی عرضه کرده‌اند، فقط به یک رشته تفاسیر غیرمستقیم می‌انجامد و به کاهش بار سنگین سایه اصل ۴۴ بر فعالیت اقتصادی در ایران منجر نمی‌شود.

با توجه به واقعیت‌های اقتصادی و نیاز مبرم به رشد سرمایه‌گذاری خصوصی و سرمایه‌گذاری خارجی، شاید وقت آن رسیده باشد که، تفسیر جدیدی از اصل ۴۴ تهیه ارائه گردد و به تصویب مراجع قانونی برسد. این تفسیر جدید بایستی مرزهای بخش دولتی و خصوصی و تعاونی را بدون ابهام تعریف کرده و زمینه را برای فعالیت بیشتر بخش غیردولتی (داخلی و خارجی) در بخش‌های مهم اقتصادی ایران فراهم سازد.

ب.خ.خ

۱. ریاست جمهوری در سخنان مربوط به بودجه سال ۱۳۸۱ در مجلس نیز بار دیگر به این پدیده اشاره کرد.